

# نوزایش خط سرنگونی در اپوزیسیون ایرانی

کوروش عرفانی

[contact@korosherfani.com](mailto:contact@korosherfani.com)

علائم آشکار فروپاشی و نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران را فرا گرفته است. هواداران جیره بگیر نظام در خارج از کشور روز به روز رسواتر و منزوی تر می شوند و هر اقدام آنها نفرت و خشم بیشتری را نسبت به ایشان برمی‌انگیزد. اکثریتی‌ها و توده‌ای‌ها به انزوا و طرد دچار شده‌اند، توره‌های نجات بخش امثال بهنود و شمس الواعظین حتی با پشتیبانی لجستیکی حقوق بگیران وزارت اطلاعات در اروپا نتوانست آبی از اصلاح طلبان گرم کند. بوی سرنگونی بدجوری حال و روز امثال نوری زاده‌ها و هوشنگ وزیرها و امیراحمدیها را به بهم زده است و تلویزیونهای لس‌آنجلسی طرفدار جمهوری اسلامی نیز نمی‌دانند به چه بهانه ای از رژیم دفاع کنند که آگهی‌هایشان را هم گسترش دهند، کنسرت‌های ایران فروش، شب‌خیز، در اروپا با شکست مفتضحانه مواجه شد و سر و کله کشتگرها و فرخ نگهدارها نیز دیگر پیدا نمی‌شود. باندهای تجاری-سیاسی ایرانیان خودفروش در فرانسه و آلمان خفمان گرفته و کسی دیگر جرات بردن نام چهره‌های کریه و منفور باند خاتمی را ندارد. خلاصه اینکه همه پاسداران سیاسی نظام که مدتی به دستور و با بودجه وزارت اطلاعات در خارج از کشور از خرداد ۷۶ به اینسو انجمن و حزب و گروه و غیره درست کرده بودند اینک که سناریو سرنگونی در حال تکمیل است باندنماها را به دست گرفته‌اند تا ببینند چه موقع باید در صف اپوزیسیون برانداز بغلطنند.

این جو نوین که مسیر براندازی نظام را صاف می‌کند به همت مبارزه دلیرانه دهها هزار ایرانی آزاده بدست آمد که روز و شب با بالا نگه داشتن پرچم سرنگونی در سخت ترین شرایط سرانجام نشان دادند که این رژیم ضد مردمی جز با مبارزه عملی و غیر مسالمت آمیز سرنگون‌ساز از میان نخواهد رفت.

امروز این امر بعنوان یک اصل بدیهی پذیرفته شده است و شرکت چند ده هزار نفری ایرانیان آزاده در تظاهرات کپنهاگ - متشکل از هواداران مجاهدین و سایر ایرانیها - نشان داد که جو مبارزه برانداز پویایی جدید بدست آورده است. اینک می‌ماند که این پویایی را تقویت کرده و آنرا به سمت حرکت‌های مشخص که ضربات عملی بر رژیم محسوب می‌شوند هدایت کنیم.

برای این منظور باید رادیو و تلویزیونها و اینترنت و تمامی بلندگوها را در اختیار گرفت و اجازه نداد که این رسانه‌ها در اختیار نیروهای ضد مردمی طرفدار جمهوری اسلامی باشد. در داخل تشکیلات سیاسی باید تصمیمات و ابتکارات جدید اتخاذ کرد. باید اقدام به تشکیل جلسات خصوصی و عمومی برای هماهنگی بیشتر و فعال کردن هر چه گسترده تر ایرانیان نمود. باید از نو

در اینسوی و آنسوی میز کتاب گذاشت و به آگاه سازی و فعال سازی پرداخت. باید به دیدار سندیگاهها، احزاب سیاسی و فعالان و چهره‌های سرشناس خارجی رفت و حمایت آنها را از مبارزه سرنگونی‌ساز برانگیخت. باید تماس‌ها را با ایرانیان داخل کشور از طریق دیدار و فاکس و تلفن و نامه و اینترنت گسترش داد و نوید داد که پی‌گیری مبارزه در آینده‌ای نه چندان دور سرنگونی رژیم و آزادی ایران را بدنبال خواهد داشت.

امروز حمایت از حرکت‌هایی که شانس سرنگون سازی رژیم روی آنها سوارست، مانند مجاهدین‌خلق، ضرورتی مطلق است که در مقابل باید با ابتکارات جدید و گشایش‌های سازنده این سازمان همراه باشد. این اجازه خواهد داد که در یک دیالکتیک بی سابقه میان سازمان مجاهدین و سایر سازمانها و ایرانیان سرنگونی طلب، موج تازه‌ای به راه بیافتد که نه تنها توطئه‌های جدید علیه سازمان را خنثی کند بلکه مقدمه‌ای شود بر آنچه که بعنوان نیروی پیشرو هدایت حرکت سرنگون سازی و اداری مراحل پس از آنرا بعهدده خواهد داشت. یکی از محورهای ممکن برای این پویاسازی و دوباره زایش اپوزیسیون سرنگونی طلب استفاده از موقعیت‌هایی مانند ۱۸ تیر است. با بسیج وسیع در داخل و خارج از کشور می توانیم این روز را بعنوان یکی از تخته‌پرشهای جریان سرنگون سازی مورد استفاده قرار دهیم.

اینک جمهوری اسلامی در موضع دفاعی و ضربه پذیر قرار گرفته است و نابودسازی آن فقط به خواست و کوشش فردی و جمعی ما ایرانیان بستگی دارد. وارد ساختن ضربات پیاپی بر رژیم و بیرون کردن جیره‌خواران سیاسی-تبلیغاتی آنها در خارج از کشور از صحنه باید جزو برنامه روزانه هر ایرانی باشد. باید هر چه سریعتر میهنمان را آزاد کرده و به ترمیم خسارات یک ربع قرن حاکمیت ضد مردمی و ضد ایرانی جمهوری اسلامی بپردازیم.

x x